



واکاوی فقهی و حقوقی مداخله حاکمیت در تعیین میزان مهریه در نظام حقوقی ایران

ابوذر گلشنی^۱ محمد حسین جعفری^۲ محمد حسین کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

چکیده

حقوق مالی زوجین مسئله‌ای است که مورد توجه ویژه اسلام و نظام حقوقی ایران است، زوجین اگر به حقوق مالی خود واقف باشند خانه و خانواده به محیطی امن برای زوجین و فرزندان بدل خواهد شد که زمینه رشد و شکوفایی افراد خانواده را فراهم می‌سازد. یکی از حقوقی که بین زوجین حاکم است مهریه است که شرع و عرف به آن توجه ویژه دارند. مهریه به عنوان نشانه‌ی صداقت مرد برای زن است و باید کانون خانواده را گرم و زندگی را آرامبخش کند، اما گاهی این حق باعث از هم پاشیده شدن خانواده و ایجاد مشکلات اجتماعی، معیشتی برای کلیه اعضای خانواده می‌شود، گاه زن مهریه را به عنوان اهرم فشاری قرار می‌دهد که زندگی خود را ننگه دارد که این امر باعث بروز مشکلات در زندگی زناشویی شده است، هدف از انجام این تحقیق بررسی مسئله میزان مهریه و تعیین حداقل و حداکثر آن بوده است و نقش قانونگذار و حاکمیت در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته شده است، نتایج بررسی‌ها نشان داد که اصل شرع، قانون و عرف بر تراضی طرفین در مسئله مهریه می‌باشد اما گاه فقها، حکومت اسلامی و قانون بر اساس مقتضیات زمان تغییراتی در میزان مهریه داده‌اند. از سوی حاکمیت همواره سعی کرده با سیاستگذاری‌های متفاوتی از پایداری کانون خانواده مراقبت کند از جمله آموزش‌های تنظیم خانواده اما مسئله مهمی که در آموزش مورد غفلت قرار گرفته است، عدم آموزش مسائل حقوقی به زوجین بوده که این دانش حقوقی برای طرفین نکته بسیار مهمی است برای عملگرایی طرفین به تعهداتشان در قبال حفظ کانون خانواده.

کلیدواژه: مهریه، مهرالسنة، مداخله حاکمیت، واکاوی فقهی - حقوقی

aboazar.golshani@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول) mohammadhosienjafari۳۴۵@gmail.com

۳. استاد یار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. mohammadhosein.karimi۱۲۳@gmail.com

خانواده به عنوان کوچکترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی که انسان را برای زندگی در نهادهای اجتماعی بزرگتر آماده می‌کند. این نهاد آرامش‌بخش افراد حاضر در آن می‌باشند و باعث می‌شود که زمان فراغت و استراحت خود را بدون دغدغه در آن سپری کنند؛ اما گاهی این نهاد اجتماعی به علت عدم تفاهم زوجین یا مشکلات روانشناختی و جامعه‌شناختی دیگر دچار مشکلات فراوانی می‌شود که زندگی زوجین را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث مشکلات روحی و روانی برای افراد خانواده می‌شود که در این حالت جز طلاق که مبعوض‌ترین حلال‌هاست راهی باقی نمی‌ماند و زوجین چاره‌ای جز طلاق ندارد. مسئله مهریه مسئله‌ای است که معمولاً با مطرح شدن طلاق زوجین مطرح می‌شود؛ هر چند که مهریه حق قانونی و شرعی هر زنی می‌باشد و در هر زمان که اراده کند می‌تواند آن را درخواست نماید؛ مهریه پیشکشی است که به زن داده می‌شود که باعث استقلال اجتماعی و اقتصادی او می‌شود که دیگران نسبت به مهریه هیچ دخل و تصرفی ندارند. در اسلام برای مهریه میزان تعیین نشده است و سقف و کف و جوبی در مهریه معنایی ندارد اما در این زمینه سفارشات فراوانی شده است که مهریه را نه سنگین و نه بسیار پایین قرار دهید. امروزه قرار دادن مهریه‌های سنگین که بدون توجه به وضعیت زوج باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی شده است به مساله‌ای جدی در جامعه تبدیل شده است. در ایران قانون‌گذار که از فقه برای قانونگذاری بهره برده است در ماده‌ی ۱۰۸۰ قانون مدنی تراضی طرفین در نظر گرفته شده است و بنابر این ماده قانونی هیچ سقفی برای تعیین مهریه وجود ندارد که همین امر باعث شده است که اکثراً مردها در پرداخت مهریه‌های سنگین دچار مشکل شوند. اما در سال ۱۳۹۲ قانون حمایت از خانواده تا حدودی این مشکل را برطرف کرد و سقف مهریه را ۱۱۰ عدد قرار داد و اگر میزان بیش از ۱۱۰ سکه باشد برای مجازات باید تمکن مالی زوج در نظر گرفته شود. آنچه که اهمیت دارد این است که ایران کشوری اسلامی است و قانون و فقه از هم جدانشدنی هستند به همین علت در این پژوهش به بررسی و واکاوی فقهی و حقوقی مداخله حاکمیت و قانونگذاران در تعیین میزان سقف مهریه مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت. در زمینه تعیین مهریه و همچنین تعدیل آن، تاکنون مقالات فراوانی نوشته شده است اما تاکنون مقاله یا پژوهشی به صورت مستقیم به مساله دخالت حاکمیت در این زمینه نپرداخته است و این که حاکمیت تا چه اندازه می‌تواند در تعیین مهریه تاثیرگذار باشد نیز تاکنون مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است که در این مقاله این مساله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت این است که آیا قانونگذار و حاکمیت می‌تواند در مساله مهریه که در اکثریت مواقع عندالمطالبه می‌باشد ورود کرد و از میزان آن کم و زیاد کند و این که در چه مواقعی قادر به انجام این کار می‌باشد؟ مهم تر از همه اینکه باید در نظر گرفت که آیا دخالت حاکمیت می‌تواند قوانین مربوط به احکام مهریه که در قانون وضع شده‌اند را نقض کنند یا نه؟ که باید این مساله بررسی شود که دخالت دولت آیا حکم اولی است یا ثانویه؟ و سیاستگذاری حاکمیت در زمینه آموزش مسائل حقوقی به زوجین. همچنین پیشنهاد ما این خواهد بود که چگونه آگاهی زوجین به مسایل حقوقی در حفظ بنیاد خانواده موثر خواهد بود.

۲- مفهوم‌شناسی مصطلحات

۲-۱ مهریه

مهریه در لغت به معنای صدق زن است. کلمه مهر در قرآن کریم به کار نرفته است؛ بلکه از واژه هایی نظیر نحله، صدق، فریضه و اجر استفاده شده است. مهر کلمه‌ای است عربی و در فارسی آن را کابین گویند، و لغات دیگر مترادف آن در عربی، صدق، نحله و اجر می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳). مهریه به معنای جهاز یا جهیزیه نیز آمده است (باباخانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱).

در اصطلاح فقه و قانون مدنی «مهر» عبارت است از مال (یا چیزی که قائم به مال باشد) معینی که از راه‌های متعارف زوج به زوجه به هنگام عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۷۰۲).

۲-۲ اقسام مهریه

مهریه را از جهات مختلف می‌توان به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرد. مهرالمسی مهری است که زن و شوهر در هنگام جاری شدن عقد نکاح یا بعد از آن به تراضی معین می‌کنند و هیچ محدودیتی ندارد بر این اساس می‌توان به ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی اشاره کرد، البته یکی از شروط این مهر این است که مرد قدرت بر تسلیم آن به زن را داشته باشد (ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی). مورد بعدی مهریه مهر المثل است؛ هنگامی که زن قبل از تراضی به انتخاب و تعیین مهریه بین او و همسرش نزدیکی واقع شده است، مهریه او بر اساس مهر زنان مماثل و اقران اوست. که فقها ویژگی‌های خانوادگی، اخلاقی و ارزش‌های علمی از نظر داشتن مدارک علمی و هنری و یا معیارهای جسمانی، سن، زیبایی، بکارت و آنچه که در عرف محل مایه افزایش مهریه و یا کاهش آن است، باید مورد نظر ارزیابان قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۶۸، ص ۲۵۶). در قانون مدنی نیز مواد ۱۰۸۷ و ۱۱۰۰ قانون مدنی به مهرالمثل اشاره شده است. یکی دیگر از انواع مهریه مهرالمتععه است که ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی به آن اشاره کرده است که «هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالمتععه است...». در این حالت برعکس مهرالمثل حالت مرد که دارای دارد یا نه در نظر گرفته خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۶۸، ص ۲۶۳).

۲-۳ مهریه در عصر جاهلیت

در عصر جاهلیت نظر به اسن که برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً "مهر را که حق مسلم زن بود در اختیار آنها قرار داده و آن را ملک مسلم آنها می‌دانستند. گاهی نیز مهر یک زن را ازدواج زن دیگری قرار میدادند به این گونه که مثلاً برادری، خواهر خود را به ازدواج دیگری در می‌آورد که او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج وی در آورد، و مهر این دو زن همین بود. اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید، و مهر را به عنوان یک حق «مسلم» به زن اختصاص داد، و در آیات قرآن کراراً "مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرده است. در اسلام برای مهر مقدار

معینی تعیین نشده است و بسته به توافق دو همسر است اگر چه در روایات فراوان تاکید شده که مهر را سنگین قرار ندهند ولی این یک حکم الزامی نیست بلکه مستحب است.

۴-۲- تعیین مهریه

برخی فقها مانند سید مرتضی (از فقهای بزرگ شیعی) عقیده دارند که مهرالمسمی نباید از مهریه متعارفی که پیامبر برای همسر و فرزندان خویش معین فرموده‌اند، تجاوز کند. او با توضیح بیشتر در کتاب «الانتصار» می‌نویسد «از جمله احکام اختصاصی مذهب امامیه این است که مهر نباید از ۵۰۰ درهم تجاوز کند. از این رو هرگاه مهر تعیین شده بیش از این مقدار باشد، زوجه موظف است مقدار مذکور را بازگرداند».

این عالم پرنفوذ که عمده شهرتش بابت گرایش‌های عقلانی او در فقه و کلام است، در موضوع محدود کردن دایره صداق یا تعیین مهریه، سه دلیل اقامه می‌کند که افزون بر قدر متیقن و اجماع، روایت مفضل بن عمر است که در آن امام صادق علیه‌السلام تصریح دارد هر کس مازاد بر مهرالسنه مالی دریافت کند موظف است تا آن را مسترد دارد.

استاد مراجع بزرگی چون شیخ طوسی در باب مذمت تعیین مهریه‌های سنگین می‌نویسد «قدر متیقن در اسلام مهرالسنه بوده و زاید بر آن فسادانگیز خواهد بود (اصل در باب معاملات فساد است). پس هرچه بیش از مهرالسنه باشد به حکم اصاله الفساد، باطل بوده و مفسده دارد».

با همه این وجود مشهور فقها رعایت مقدار خاصی را در مورد مهریه‌ها الزامی ندانسته و آن را با عنایت به خصوصی بودن قراردادها و اختیار عمومی در عقد هر قراری با رعایت شرع و نظم عمومی نفی نکرده‌اند؛ البته بدیهی است همین فقها در موارد مختلفی استحباب در رعایت مهرالسنه را با مخاطبین خود مطرح کرده و دغدغه نهادینه نمودن این سنت حسنه را داشته‌اند.

۵-۲- ماهیت حاکم بر جریان مهریه در جاجعه

در حال حاضر اگرچه به سبب امضای عقدنامه در دفاتر تعهد مهریه جنبه مالی پیدا نموده و به محض قبولی در زمره حقوق قابل استیفای زن درمی‌آید، اما نباید غافل بود مهریه در عصر شارع نوعاً ماهیت تملیکی داشت و در رعایت آن بالفعل و عندالقدره بودن آن ملاک بود. به عبارت دیگر خطبه که جاری می‌شود به طور معمول بخش یا تمام مهریه از سوی مرد به تملیک زن می‌رسید. اتفاقی امروز با عندالاستطاعه نمودن موضوع مهریه تا حدودی از اهمیت افتاده است اما با این وجود باید توجه داشت عدم توانایی صاحب ذمه، به دلیل اینکه عقد زوجیت منوط به تعیین آن بوده می‌تواند از لحاظ شرعی بر نکاح شبهه و خدشه وارد نماید. تعهد مالی به آن چه از توان مرد خارج است، از مصادیق عیان تعهدات غیرمقدور بوده و این امر به اتفاق صاحب نظران تکلیف به مالایطاق محسوب گردیده و تایید آن از منظر فقه ممکن نخواهد بود. با عنایت به این نکته طبق نظر حضراتی چون نراقی و خویی که تاکید دارند «شرط اعتبار مافی‌الذمه توان مالی شخص حین توافق است»، لذا تراضی به امری که یک انسان را تا پایان عمر طبیعی خود بدهکار و در مواقعی گرفتار زندان کند، چندان با مقتضیات شرع همسویی ندارد. منظور از بیان مطالب ایراد شده صرفاً حال بودن تعهد مهریه

نیست؛ بلکه منظور آن توافقی‌هایی است که در آینده نیز استیفای آن عادات و عقلنا برای یک فرد غیرمقدر است. به زبان ساده در روزگاری که از به دنیا آمدن یک کودک تا تامین هزینه تحصیلی و معیشتی و در نهایت آیین ترحیم او متکی به وام‌های چند ساله و بعضاً ربایی شده و بیشتر افراد بدون نظر به موقعیت اجتماعی خود خواسته یا ناخواسته درگیر زندگی به اصطلاح اقساطی شده‌اند، در یک چنین شرایط کارگر ساده‌ای که شغل ثابتی هم ندارد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت درآمد از دو میلیون تومان خطور نمی‌کند، بدون احتساب هزینه‌های جاری چطور قادر خواهد بود از عهده مهریه‌های سنگین همسر خود برآید، آن هم در شرایطی که سکه قیمت ثابتی نداشته و ارزش حقیقی خود فاصله بسیاری گرفته است. از ایراداتی که بر مهریه‌هایی از این دست وارد می‌شود و برخی از مراجع تقلید همچون آیت‌الله مکارم شیرازی هم بر آن صحه گذاشته‌اند سفیهانه بودن تعیینات است و الا اگر فرد ثروتمندی که قدرت مالی کافی و عرضه مورد نیاز برای طرح این قبیل تعهدات را دارد، هزار سکه متقبل می‌شود، ستاد دیه به عنوان نهاد درگیر با بدهکاران مهریه نه فقط تایید فعل کند بلکه پیشنهاد دارد برای تقدیر از مقام والای زنان دو برابر آن را معین کند.

۶-۲ حاکمیت عقل در عقود

یکی از عناصر عمومی عقود معین و به طور کلی شروط ضمن عقد موضوع عقلانی بودن تعهدات است که اگر سهوا یا عمدا رعایت نشود یک اشکال است و البته اشکال بزرگ‌تر آن جاست که مانعی بر این ولخرجی‌های مجازی هم وجود نداشته باشد. دست و دلبازی‌های خشک و خالی که دودش نه فقط در چشم یک زندانی، بلکه در کمترین حالت خسارت‌هایش متحمل نیروهای قضایی و انتظامی و زندانبانی کشور می‌شود.

آیت‌الله مکارم، مرجع بزرگ شیعیان هفته گذشته در درس خارج فقه خودشان که در مسجد اعظم قم برگزار شد، بر حسب دغدغه همیشگی با اشاره به حبس چند هزار جوانان ایرانی صرفاً بابت مسئله مهریه تاکید فرمودند «نباید عده‌ای بر خلاف احکام اسلامی زندانی شوند؛ چرا که اصل بر اعسار است. البته عده‌ای هم که ثابت می‌کنند که توانایی ندارند به سراغ تقسیط می‌روند که گاهی این اقساط تعیین شده برای آن‌ها ۵۰ سال زمان می‌برد و گفته می‌شود تا تمام اقساط پرداخت نشود زن نباید تمکین کند؛ چرا حکمی صادر می‌شود که هر کسی بشنود بخندد؟».

ایشان با غیرمعقول خواندن این احکام و توافقی‌ها تصریح می‌کنند «معیار مطالبه کیفری مهریه اگرچه ۱۱۰ سکه بهار آزادی است، اما این تدبیر مربوط به آن زمان می‌شود که قیمت هر سکه یک میلیون تومان بود. حال که ارزش آن امروز قریب به ۵ میلیون تومان شده است؛ آیا باید با قیمت امروز محاسبه شود؟ ما می‌گوییم باید به صورت متعارف پرداخت شود نه اینکه ۵ برابر قیمت آن روز مهریه محاسبه شود. در حل این باره امیدواریم مسئولین دستگاه قضا و حوزویان مشکلات موجود را حل کنند تا مردم سرگردان نباشند».

۷-۲ ابعاد اجتماعی و حقوقی مهریه:

ماهیت مهریه عطیه و هدیه مالی برای آغاز یک رابطه عاطفی است و فلسفه اولیه آن تامین و ایجاد حق اقتصادی برای زن بوده است، اما عملاً و عرفاً در کشور ما تضمین زندگی مشترک، جبران نقض تعهدات شوهر و جبران تبعیضات قانونی زنان است. بنابراین راهش نجات بی‌قید و شرط زندانیان مهریه یا تزییع حقوق مالی و اقتصادی زنان با عدم حمایت قانونی در مطالبه و وصول نیست. اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و تنظیم شروط ضمن عقد با درج در سند نکاحیه، الزامی شدن بیمه مهریه می‌تواند راهکارهای مناسبی در تعدیل مهریه باشد. به این صورت که زنان زمانی از تورم مهریه بگذرند و در تعیین آن تعدیل کنند که حقوق نداشته خود را طی وکالت نامه رسمی با خواستگار توافق کنند. اما این هم کافی نیست و مهریه به همین صورت تا اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان باید ادامه یابد.

مهریه نه به عنوان تشریفات بلکه به عنوان یک رسم و سنت مورد قبول است و با توجه به اینکه در جامعه ایران در هنگام بسیاری از ازدواج‌ها، بر مبنای عرف، سکه به عنوان مهریه در نظر گرفته می‌شود و نظر به عدم تعادل نرخ آن به خصوص با توجه به رخدادهای اخیر از سوی و افزایش بی‌رویه میزان مهریه در گذر زمان از سوی دیگر این پدیده را به یک مساله اجتماعی تبدیل کرده است و تعدادی از جوانان در زندان‌ها جریمه مهریه‌های غیرقابل پرداخت را متقبل شده‌اند. این امر لزوم بررسی و تحقیقات علمی را در این حوزه می‌طلبد. اما باید دانست اغلب مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در باب مهریه جنبه حقوقی و فقهی دارد و تحقیقات انجام شده از بعد جامعه‌شناسی بسیار اندک است. در حالی که مساله مهریه امروزه بیش از آنکه حقوقی و فقهی باشد یک مساله اجتماعی است.

۳- بررسی میزان مهریه در فقه شیعه، سنی و حقوق ایران

۳-۱ مداخله حاکمیت و فقهای شیعه در سقف مهریه

در مورد مقدار مهریه در فقه امامیه دو نظر متفاوت وجود دارد که در نظریه اول عنوان شده است که مقدار مهریه نباید از مهرالسنه تجاوز کند (پنجاه دینار یا معادل پانصد درهم). استناد شیعه به این میزان حدیثی از امام جعفر صادق می‌باشد که می‌فرماید: «سنت محمدی ۵۰۰ درهم است پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده می‌شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست» (حرعاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۳، ص ۱۱۰). نظریه بعدی نیز که مربوط به اکثریت شیعه می‌باشد این است که برای مهریه حداکثری وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۴). بر این اساس می‌توان در بین فقه شیعه دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داد که برخی قائل به میزان سقف مهریه می‌باشند و اکثریت قائل به عدم تعیین میزان سقف مهریه می‌باشند که با توجه به آنچه خواهد گذشت قوانین حقوقی ایران در برخی از مواقع از نظریه اول و در برخی موارد از نظریه دوم بهره برده است.

در برخی موارد حاکمیت اسلامی در میزان مهریه تاثیرگذار بوده‌اند و حد و حدود آن را تعیین کرده‌اند. یکی از روایاتی که شیعه به آن استناد می‌کند در مورد روایتی منسوب به شهاب است که محمد بن یعقوب کلینی از محمد بن یحیی از

احمد بن محمد از ابن محبوب از صالح بن رزین از شهاب روایت کرده است: که وی گفت از امام صادق (ع) در موردی مردی که زنی را به هزار درهم به نکاح خود درآورد و سپس هزار درهم را به وی پرداخت، زن این مقدار را به او بخشید و گفت من خودت را بیشتر از این مال می‌خواهم که قبل از زناشویی به طلاق منتهی شد. امام (ع) در جواب فرمود: مرد می‌تواند به زن رجوع کرده و پانصد درهم از وی بگیرد (بروجردی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۲۶، ص ۳۰۸). در این حدیث مسأله‌ای که قابل توجه است این است که میزان مهریه توسط امام صادق (ع) به میزان مهرالسنه در نظر گرفته شده است و بیشتر از آن قابل پرداخت نیست به این دلیل که زن باید مبلغ ۵۰۰ درهم از ۱۰۰۰ درهم را بازپس دهد. در اینجا حاکمیت بر مسئله میزان مهریه وارد شده و برای آن سقفی تعیین کرده است که باعث ضرر و زیان به هیچ‌کس نشود.

همانگونه که ذکر شد پیامبر مهریه‌ای را که برای زنان خود تعیین می‌کرده است پانصد درهم بود. مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که آیا می‌توان بیش از این به عنوان مهریه قرار داد؟ برخی فقیهان بیش از این مقدار را منع کرده‌اند (سید مرتضی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۹۲) بیشتر فقیهان بر این عقیده‌اند که می‌توان بیش از این مقدار را به عنوان مهریه در نظر گرفت و مشکل شرعی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۱، ص ۱۴). در اینجا مسأله شرع و عرف به میان کشیده می‌شود که برخی از این فقیهان عنوان می‌کنند که تا پانصد درهم مهر شرعی و بیشتر از آن مهر عرفی (نحله) است (روحانی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۴۳).

در اصل فقهای شیعه اکثراً متفق‌القولند که مهریه باید بر اساس تراضی طرفین صورت گیرد؛ اما گاهی برخی افراد ناخواسته دچار اشتباه می‌شوند و این حکومت و دولت است که باید مسائل فی‌مابین زوجین را حل کند که علاوه بر اینکه ارکان خانواده دچار مشکل می‌شود هزینه‌های سنگینی بر عهده دولت و حکومت قرار داده می‌شود؛ در اینجا است که حکومت اسلامی و قانونگذار وارد میدان شده و بر اساس مقتضیات زمان قوانینی را وضع می‌کند که مشکلات ناشی از این قضایا را برطرف کند؛ اما حکومت و قانونگذار در حکومت اسلامی باید به گونه‌ای قوانین را وضع کند که به اصل شرع خدشه وارد نشود و شرع و عرف در میان قوانین قابل لمس باشند.

در فقه شیعه چند نظریه در زمینه تعیین سقف مهریه وجود دارد که نظریه اول تعیین سقف مهریه به میزان مهرالسنه می‌باشد و بازگشت به این مقدار، در صورت تجاوز از مهرالسنه، از جمله فقیهانی که به این نظریه اعتقاد دارند می‌توان به شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۵۹) و سید مرتضی (علم‌الهدی، ۱۴۰۶ هـ، ص ۲۸۹) اشاره کرد؛ اما نظریه دوم نظریه‌ای است که عنوان می‌دارد که به میزان مهرالسنه توصیه شده است اما در صورت تجاوز به آن بر نمی‌گردد، از جمله افرادی که به این نظریه قائلند می‌توان به ابن بابویه (ابن بابویه، ۱۴۰۶ هـ، ص ۲۳۴) اشاره کرد. نظریه بعدی عنوان می‌دارد که مطلقه سقفی برای مهریه از جهت زیادت و وجود ندارد، از جمله فقهایی که به این نظریه اعتقاد دارند می‌توان به شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ، جلد هفتم، ص ۴۴۱) و دیگران اشاره کرد، از جهت همراهی فقها این نظریه در اولویت قرار دارد و بیشتر فقیهان شیعه این نظریه را به عنوان نظریه صحیح‌تر در نظر گرفته‌اند. نظریه دیگری که وجود دارد این است که برای مهریه سقفی در نظر گرفته نشود اما کراهت تجاوز از مهرالسنه و مستحب بودن عدم تجاوز از این مقدار همراه

نظریه اعلام شده است، از مشهورترین فقیهانی که به این نظریه قائلند علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۰ه، جلد دوم، ص ۱۱) می‌باشد. در نظریه بعدی نیز عدم تعیین سقف برای مهریه مورد بحث است اما تجاوز از میزان مهرالسنه را مکروه می‌داند و بالاخره در نظریه آخر عدم تعیین سقف مهریه ولی استصحاب مقدار مهریه به مقدار مهرالسنه که طوسی (طوسی، بی‌تا، ص ۴۸۶) از جمله فقیهانی است که به این نظریه اعتقاد دارد.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان عنوان کرد که فقهای شیعه اکثریت قائل به عدم تعیین سقف مهریه توسط شرع، حکومت و قانونگذار می‌باشد اما همواره توصیه‌ها و پیشنهاداتی ارائه داده‌اند که این مساله به عنوان مشکل و دستاویزی برای طلاق بدل نشود. گاه گذشتن از مهرالسنه را مکروه می‌دانند و گاه به اندازه یا کمتر از آن را مستحب اعلام می‌کند و در برخی موارد پا را فراتر گذاشته و بیش از مهرالسنه را باطل اعلام می‌کنند؛ این در حالی است که نص صریح قرآن اعلام می‌دارد که [و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار نمایید و مال بسیار مهر او کرده‌اید نباید چیزی از مهر او بازگیرید، آیا به وسیله تهمت زدن به زن و گناهی آشکار مهر او را می‌گیرید؟]. این مساله را می‌توان دخالت فقها و حاکمیت در مساله مهریه دانست که گاه برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است به خصوص امروزه که به علت مشکلات اجتماعی و روانشناختی مهریه‌های سنگین باب شده است که شنیدن نوع مهریه باعث تعجب می‌شود!

۳-۲ مداخله حاکمیت و فقهای سنی در میزان مهریه

کلیه فقهای اهل سنت بر فقدان حداکثری مهریه متفق‌القولند، استناد فقهای اهل سنت به این است که هیچ دلیل مستحکمی نه در قرآن و نه در سنت بر محدودیت سقف مهریه وجود ندارد؛ حتی عنوان می‌کنند که دلایلی نیز وجود دارد که به زن و شوهر اجازه می‌دهد که میزان مهریه را با توافق هر اندازه که دوست دارند تعیین کنند (نوری، ۲۰۰۵، ص ۲۰؛ زحیلی، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۱۲۳). اما در این میان احادیثی وجود دارد که نشان می‌دهد خلفای اهل سنت نیز گاه در مسئله مهریه ورود کرده و برای آن سقف تعیین کرده‌اند.

گاهی موافقان مهریه‌های سنگین سندی محکم بر ادعای خود اقامه می‌کنند و آن آیه ۲۰ سوره نساء می‌باشد که می‌فرماید: (وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا) «و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار نمایید و مال بسیار مهر او کرده‌اید نباید چیزی از مهر او بازگیرید، آیا به وسیله تهمت زدن به زن و گناهی آشکار مهر او را می‌گیرید؟!». در تفسیر الدر المنصور آمده است که زبیر بن بکار در کتاب موفقیات از عبدالله بن مصعب روایت کرده که گفت: عمر - بن خطاب - دستور داد زنان را بیش از چهل اوقیه مهر نکنید، که هر کس بیش از این مهر معین کند، مقدار بیشتر را به بیت‌المال می‌اندازم. زنی که در مجلس بود، گفت ای عمر تو چنین حقی نداری. عمر پرسید چرا؟ گفت برای این که خدای تعالی می‌فرماید: «و اگر به زنی یک قنطار مهریه دادید، حق ندارید چیزی از آن را پس‌بگیرید: عمر گفت: زنی در تشخیص حکم خدا به واقع رسید و مردی به خطا رفت (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۵۷). در این مساله نیز دخالت حاکمیت در مسئله مهریه سنگین و تعیین سقف مهریه به وضوح مشاهده می‌شود و عمر بن خطاب بر اساس مسائل زمان خود میزانی را برای مهریه در نظر گرفته است

و بیش از آن را مجاز ندانسته است؛ مسئله‌ای که در اینجا قابل طرح است این است که چگونه تعارض سخن عمر و کلام حق باید بیان گردد. حاکمیت در هر زمان می‌تواند بر اساس مسائل زمان خود تغییراتی انجام دهد در صورتی که به اصول کلی خدشه‌ای وارد نشود و دوم اینکه در برخی موارد مردان نمی‌توانند در مسئله مهریه درست تصمیم بگیرند و خود و جامعه را دچار مشکل می‌کنند که این حاکمیت است که با در نظر گرفتن شرایط زمان میزانی را برای مهریه در نظر خواهد گرفت.

۳-۳ مداخله قانونگذار و حاکمیت در تعیین میزان مهریه در حقوق ایران

مهریه‌های سنگین باعث شده است که پیامدهای منفی زیادی در جامعه، اجتماع و خانواده به دنبال آید. از جمله این پیامدهای منفی می‌توان به بی‌احترامی به شخصیت زن اشاره کرد که زن به عنوان کالا خرید و فروش می‌شود؛ از دیگر پیامدهای منفی می‌توان به سوءاستفاده از مهریه توسط برخی زنان اشاره کرد که امروزه با توجه به ماشینی شدن و عدم شناخت زوجین از هم مهریه‌های سنگین در شرط عقد به وجود آید که به عنوان اهرم فشاری برای اهداف شخصی استفاده می‌شود که گاه باعث می‌شود که اموال زوج بابت مهریه توقیف شود. از دیگر پیامدهای منفی مهریه بالا می‌توان به نگرانی مردان از وضعیت زندگی خود اشاره کرد که مرد همواره این ترس را دارد که همه اموال او توسط زوج تصرف شود که همین امر باعث تزلزل نهاد خانواده می‌شود (موسوی فرد و همکاران، ۱۳۹۶).

در مورد دخالت حاکمیت و قانونگذار در مورد مهریه در قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌توان به مواردی اشاره کرد که گاهی اجرا و گاهی در حد طرح ارائه گردیده‌اند و قابلیت اجرای خود را از دست داده‌اند، گاهی نیز قبل از به رسمیت شناخته شدن آنها منسوخ شده‌اند، علت این امر را می‌توان در عدم آگاهی کامل به قوانین و مقررات و شرعیات و اشراف کامل به این مسائل دانست که فقط مصالح روز را بدون در نظر گرفتن شرع و عرف در نظر گرفته شده است که مسلماً جامعه اسلامی و عرف جامعه این موارد را به هیچ‌عنوان قبول نخواهد کرد.

بر اساس مقتضیات زمان و نیز عرف جامعه حاکمیت و قانونگذار می‌تواند برای مهریه سقف تعیین کرده یا قوانین بازدارنده در میزان مهریه‌های سنگین به وجود آورد. از جمله این قوانین در سال ۱۳۸۶ در قانون حمایت از خانواده به وجود آمد که بر مهریه‌های سنگین و خارج از عرف مالیات قرار گرفت که در این ماده ذکر شده است که « وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیر منطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسایل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید». این قانون که دولت ارائه کرده بود تا حدود زیادی عجیب بود؛ چرا که در زمان ثبت ازدواج، هنوز پولی به عنوان مهریه مبادله نشده است که بخواهند از آن مالیات بگیرند! البته مسلم این است که دولت در ارائه این ماده قانونی در نظر داشته است که تا حدودی از مهریه‌های سنگین بکاهد اما قدر مسلم این است که حاکمیت باید با دقت در این امر وارد شود و آنچه را که به عنوان قانون یا دستور یا پیشنهاد ارائه می‌دهد قابلیت اجرا داشته باشد.

گاهی حاکمیت وارد مسئله شده و قانونگذار پیشنهاد می‌دهد که مهریه بر اساس شغل پدر دختر تعیین شود که این مسئله نه از لحاظ فقهی قابل قبول است و نه از لحاظ قانونی که برخی آن را ورود به حریم کاملاً شخصی افراد دانسته و برخی آن را بی‌ارزش کردن زن می‌دانند و شخصیت آن را بر اساس شغل پدر در نظر می‌گیرند. اما قوانینی نیز توسط حاکمیت و قانونگذار ارائه شده‌اند که موفق بوده است و بر اساس مقتضیات زمان تمام جوانب فقهی و حقوقی آن‌ها در نظر گرفته شده است از جمله این قوانین می‌توان به اعسار، عندالاستطاعه بودن مهریه و قانون حداکثر میزان مهریه ۱۱۰ عدد اشاره کرد. البته برخی قوانین در درون قوانین وجود دارد و این مساله تازه‌ای نیست به عنوان مثال در مساله عندالاستطاعه بودن مهریه نمی‌توان به صورت دستوری عمل کرد، چنانچه در سال ۱۳۸۵ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بخش‌نامه‌ای را به دفاتر ثبت ازدواج و طلاق ارسال کرده و خواستار اجرای عندالاستطاعه کردن مهریه می‌شود. آن چه که مشخص است این است که شرط پرداخت دیون استطاعه است و در صورتی که توان پرداخت دیون نداشته باشند به او مهلت داده می‌شود. پس عملاً عندالاستطاعه در مورد مهریه بی‌معنی است، البته این مساله قانون نمی‌باشد اما به عنوان دخالت مدیران و حاکمیت در یک مسئله شخصی می‌باشد که به زودی این بخش‌نامه ملغی شد و در سال ۱۳۸۷ هم عندالمطالبه و عندالاستطاعه بودن در سندهای ازدواج در نظر گرفته می‌شود که یکی از این دو مورد به انتخاب زوجین درج خواهد شد، این مساله با عرف جامعه سازگارتر و با قوانین هم‌خوانی دارد.

در جامعه امروزی کشور دلایل متفاوتی برای مهریه‌های سنگین عنوان کرده‌اند که می‌توان به تنوع طلبی مرد و حق طلاق او اشاره کرد که اگر مهریه کم باشد با توجه به وضعیت امروزی جامعه احتمال طلاق از سوی زوج وجود دارد، پشتوانه مالی زنان نیز از علل دیگر می‌باشد که مهریه‌های سنگین در نظر گرفته می‌شود و بالاخره می‌توان عنوان کرد که عرف جامعه به گونه‌ای است که مهریه کم را باعث کم‌ارزش شدن زن می‌دانند (امیراحمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۸). در مورد مهریه‌های سنگین قانونگذار و حاکمیت امروز ایران ساکت ننشسته است و مطابق با ماده ۳۴۸ قانون مدنی مهریه‌های سنگین باطل هستند. مطابق با این ماده قانونی اگر مشتری قدرت تسلیم چیزی که شرط کرده باشد را نداشته باشد عقلانی نیست و قانوناً ممنوع است. به عنوان مثال می‌توان عنوان کرد که جوانی که دارایی او شاید چند سکه هم نشود چگونه می‌تواند پانصد یا هزار سکه طلا را به عنوان مهریه به همسر خود بدهد.

آنچه که گذشت نشان داد که هرچند که در برخی موارد حاکمیت در فقه شیعه و سنی در زمینه میزان مهریه دخالت کرده‌اند اما مطابق با آیات و روایات نمی‌توان برای مهریه سقفی تعیین کرد و این امر بستگی به تراضی طرفین دارد که در قانون ایران این مساله در ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی ذکر شده است، بر اساس این قانون هر زوجی می‌تواند میزان مهریه‌ای که دوست دارند را در نظر بگیرند و سقف و کفی برای آن در نظر گرفته نشده است. اما مسئله اینجاست که آیا حاکمیت می‌تواند بر اساس مصلحت و ضروریات زمان در این قانون دست برده و برای مهریه سقف و کف تعیین کند؟ در برخی از احکام اسلام می‌توان دخل و تصرف انجام داد و با توجه به همین تغییرات است که می‌تواند با مقتضیات روز پیش رفت اما در برخی احکام نمی‌توان حکم الهی را تغییر داد. باید در نظر داشت در هر حالتی نمی‌توان در دین و دستورات آن تغییر ایجاد کرد مگر اینکه حفظ و منافع و مصلحت مسلمین در میان باشد که امام خمینی در

این زمینه می‌فرمایند «طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون باید برای مردم این قضیه‌ی ساده را روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۱۲)، یا اینکه مسئله تغییر در موضوع حکم در میان باشد این مسئله بدان معنا است که اگر موضوع یک حکم تغییر پیدا کند حکم آن نیز باید تغییر پیدا کند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۵). به عنوان مثال می‌توان عنوان کرد که خرید و فروش خون در احکام اسلام حرام است اما امروزه این امر به یک نیاز جامعه پزشکی بدل شده است و نه تنها حرام نیست بلکه باعث نجات جان انسان‌های بی‌شماری گشته است. این دو مسئله باعث شده است که حاکمیت در برخی از موارد در احکام اسلام و قرآن دخالت کرد و بر اساس مصلحت آنها را تغییر دهد که یکی از این موارد تعیین میزان مهریه می‌باشد.

یکی از اصلی‌ترین قوانینی که بعد از انقلاب در زمینه میزان سقف مهریه در نظر گرفته شده است و حاکمیت در میزان مهریه دخالت کرده است ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده می‌باشد که عنوان می‌کند: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام‌بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مزاد، فقط ملاتت زوج ملاک است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است».

در این ماده قانونی نوع مهریه همانگونه که در صدر اسلام با درهم در نظر گرفته شده است بنا بر نوع غالب آن سکه در نظر گرفته شده است اما بلافاصله جمله معادل آن در نظر گرفته شده است بدین معنا که هر مال و هر چیزی که قدرت مالی داشته باشد می‌تواند به عنوان مهریه در نظر گرفته شود به شرط این که از صد و ده سکه تجاوز نکند (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴)، و نکته قابل توجه در این قانون میزان مهریه‌ای است که در زمان عقد جاری شده است (در زمان وقوع عقد)، پس می‌توان عنوان کرد که اگر بعد از جاری شدن عقد میزان مهریه افزایش یابد همان میزانی که در زمان عقد بوده است مورد حمایت ماده ۲۲ ق.ح.خ خواهد بود به عنوان مثال اگر فردی ۱۰۰ سکه مهر کرده است و بعد از عقد آن را به ۲۰۰ سکه افزایش داده است تا ۱۰۰ سکه مورد حمایت این قانون است و صد و ده سکه دیگر موضوعیت نمی‌یابد (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۸۶). جمله بعدی این ماده قانونی این است که « وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است» در این جمله به ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۷۷) اشاره کرده است که عنوان می‌دارد: «هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفاء می‌نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد». به موجب ماده ۲۲ ق.ح.خ تا ۱۱۰ سکه، ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای مهر مقرر شده است. ضمانت اجرای کیفری مهر مذکور آن است که اگر مرد از پرداخت آن امتناع کند و دادخواست اعسار هم ندهد یا ادعای اعسار او رد شود، برابر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۷۷) با تقاضای زن، تا زمان تأدیه حبس می‌شود. اما نسبت به مزاد بر ۱۱۰ سکه ظاهراً

ضمانت اجرای کیفری وجود ندارد و زوجه فقط می‌تواند از طریق مدنی و با مراجعه به دادگاه و اثبات ملاتت زوج حق خود را استیفاء کند (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۶۴).

از آنجا که قوانین حاکمیت بعد از تصویب در شورای اسلامی به نظر شورای نگهبان می‌رسند و مشکلات شرعی آنها برطرف می‌شود در نظریه شورای نگهبان تفسیری دیگری ارائه می‌شود که به ماده قانونی اضافه گردید: «قانونگذار حمایت کیفری خویش نسبت به بیش از این میزان (۱۱۰ سکه) را منوط به اثبات ملاتت زوج کرده است» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۴۶). با طرح این مسئله هم وضعیت شرعی مسئله مورد احترام قرار گرفته شده است و هم عرف جامعه در نظریه حاکمیت اعمال شده است که اگر فردی تمکن مالی داشته باشد باید بیش از این مقدار را که به عنوان مهریه در نظر گرفته است به زن بدهد که این مسئله در شرع نیز آمده است که هر اندازه که می‌تواند مهر زنان کنید. پس می‌توان عنوان کرد که در این مساله حاکمیت هم مسائل روز را در نظر گرفته است و هم خدش‌های در مسائل شرعی وارد نکرده است و بسیار هوشمندانه عمل کرده است.

این ماده قانونی را می‌توان دخالت کامل حاکمیت و قانونگذار در مسئله مربوط به مهریه دانست که برای آن سقف تعیین نموده است و بیشتر از آن را در صورت تمکن مالی زوج جایز می‌داند. حال باید عنوان کرد که آیا این مسئله به ضرر و زیان جامعه است یا به سود آن؟ همانگونه که ذکر شد حاکمیت در صورتی می‌تواند در قوانین و احکام واقعی اسلام وارد کند که صلاح نظام اسلامی در میان باشد. در مورد مساله مهریه سنگین که امروزه در جامعه رایج شده است باید عنوان کرد که مشکلات فراوانی برای خانواده‌ها به وجود آورده بود و حتی با گران‌تر شدن نرخ سکه به خصوص در شرایط تورمی امروز به اهرم فشاری برای برخی از بانوان تبدیل شده بود که با آن زوج خود را به زندان انداخته و زندگی زناشویی خود را با مشکل مواجه می‌کردند و مشکلات جامعه‌ای با وجود فرزندان طلاق به وجود می‌آمد.

قانونگذار مسئله مقدورالتسليم بودن موضوع معامله را در تعیین سقف مهریه مد نظر قرار داده است و چه بسا با توجه به تورم افسارگسیخته‌ای که امروزه گریبانگیر جامعه می‌باشد سقف مهریه تعیین شده از طرف قانونگذار باز هم کمتر شود. مقدورالتسليم بودن یعنی اینکه بتوان مورد معامله را به شخص اعطا کرد؛ مسئله‌ای که قانونگذار مدنظر دارد این است که در تعیین سقف مهریه توسط حاکمیت چه در زمان پیامبر، چه در زمان امامان و چه در زمان خلفا و چه در حال توانایی متعهد است نه مقدورالتسليم؛ چون اگر مقدورالتسليم را در نظر گرفت باید مهریه‌های بالا به عنوان مثال هزار سکه طلا را پرداخت کرد چرا که قابلیت پرداخت دارند اما این مسئله که آیا فرد از عهده این پرداخت برمی‌آید یا نه مسئله‌ای است که باید حاکمیت در نظر بگیرد (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۸۶). اما با مراجعه به ماده‌ی ۳۴۸ قانون مدنی می‌توان گفت آنچه اهمیت دارد توانایی بایع در تسلیم مبیع است زیرا توان تسلیم وصفی است که به انسان باز می‌گردد و مربوط به مالک مبیع است و نه خود آن و آنچه در ماده‌ی ۳۴۸ تاکید شده قدرت بایع بر تسلیم است نه اوصاف مبیع و قابلیت آن برای تسلیم (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷). حاکمیت و قانونگذار می‌تواند در مواردی بنابه مصلحت مهریه‌های سنگین را نادیده گرفته و برای آن سقف در نظر بگیرند. به عنوان مثال سوالی که از آیت‌الله مکارم شیرازی در موردهای

مهریه‌های سنگین پرسیده می‌شود که ایشان در پاسخ می‌فرمایند: « اینگونه مهریه‌ها با چنان قرائتی که گفته شد جدی نیست...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸). علمای شیعه بر اساس مصلحت نیز حکم به مردود بودن اینگونه مهریه‌های سنگینی می‌دهند، اما آیا به واقع حاکم شرع با قانونگذار همگی این نظر را دارند؟

مهریه در زمره‌ی عقود احسانی و قراردادهای رایگان است و در چنین عقود قانونگذار در شروط عمومی آنها سختگیری نمی‌کند تا زمینه‌ی گسترش آنها را فراهم سازد (نجفی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). عده‌ای بر این عقیده‌اند که دلیل بر اعتبار شرط قدرت بر تسلیم، سیره‌ی عقلاست و در جایی که با انجام رساندن موضوع تعهد امکان‌پذیر نیست تعهد لغو و بیهوده می‌نماید و لذا از شمول عمومات نفوذ و صحت خارج خواهد بود (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۱۸۵).

پس می‌توان عنوان کرد که مهریه‌ای که از توان پرداخت اشخاص خارج است یا از لحاظ عرف غیرممکن به نظر می‌رسد و حتی بعد از مرگ زوج چیزی که از او باقی مانده است کفاف این امر را ندهد این مهریه باطل می‌باشد چرا که قدرتی در تسلیم آن وجود ندارد. حال حاکمیت در زمان حاضر با توجه به ضروریات زمان و میزان تورم و توانایی اکثریت افراد جامعه به این مساله ورود پیدا کرده و حداکثر مهریه را صد و ده عدد در نظر گرفته است.

قانونگذار در ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده فقط ضمانت اجرایی را برای مهریه تعیین کرده است و سقفی که تعیین نموده است مربوط به ضمانت اجرایی می‌باشد و در اصل به تراضی طرفین اعتراضی ندارد بلکه عنوان می‌دارد که در صورتی که میزان مهریه از این حد بیشتر شود ضمانت اجرایی ندارد؛ اما محدودیتی در نظر نگرفته است. ابهامی که در این زمینه وجود دارد این است که در این زمینه قانون به صراحت بیان نکرده است که بیش از صد و ده سکه آیا زوج قادر به تصرف اموال می‌باشد یا نه فقط قصد حبس ندارد و این از مشکلاتی است که قانونگذار آن را مبسوط نکرده است. باید عنوان کرد که این مساله هیچ منافاتی با شرع ندارد؛ چرا که در جوانان مسلمان اصل بر عدم ملات و دارای زوج است و قانونگذار با زیرکی خاص تا صد و ده سکه را به صورت عندالمطالبه درآورده است و بیش از آن را به صورت عندالاستطاعه مشخص کرده است.

می‌توان عنوان کرد که یکی دیگر از مواردی که قانونگذار بر اساس شرایط حاکم بر جامعه در مورد مهریه تعیین کرده است عندالاستطاعه بودن زوج در پرداخت مهریه می‌باشد؛ چرا که نص صریح قرآن بر این مبناست که هرگاه مردی زنی را به عقد خویش درآورد، باید به او مهریه پرداخت کند. به عبارت دیگر به مجرد این که عقد ازدواج محقق شد، زن مالک مهریه می‌شود و مهریه دینی است به گردن مرد که عندالمطالبه باید به همسرش بپردازد (خراسانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۱).

عبارت «عندالاستطاعه» از قدیم در قباله‌های نکاح به عنوان شرط درج گردیده است. در عرف شایع حقوق دانان نیز عبارت مزبور در قالب شرط ضمن نکاح یا شرط ضمن مهریه طرح می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۸). درج این قید باعث می‌شود مطالعه مهر توسط زن تا زمان توانایی مرد بر پرداخت آن به تاخیر افتد. بر این اساس زن حق ندارد پیش از تحقق توانایی، مطالبه مهر نماید؛ مقصود شایع نیز همین مورد است (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳). آنچه

گذشت مشخص می‌کند که اصل بر همان تراضی طرفین است یعنی زوجین در هنگام وقوع عقد می‌توانند عندالاستطاعه را عنوان کنند و قانونگذار به هیچ‌عنوان نمی‌تواند در این قضیه ورود کند چون بر خلاف حاکمیت اراده در قراردادهاست و به اصل آزادی قراردادی آسیب وارد می‌کند.

۳-۴ مداخله دولت مناقشه بین دولتمردان و فقیهان

در مورد دخالت حاکمیت در بحث مهریه می‌توان آن را یک حکم حوکتی عنوان کرد که با استفاده از اختیارات حاکم در نظر گرفته شده است. داستان‌های فراوانی در مورد دخالت حاکمیت در زمینه مهریه و نفقه بیان شده است که نشان دهنده دخالت حاکمیت به عنوان حکم ثانویه در این امر می‌باشد. به عنوان مثال داستان پیامبر که در طلاق خلع همسر «ثابت بن قیس» یکی از این احکام است و همچنین موارد دیگر مانند دخالت آشکار خلیفه دوم در بحث مهریه‌های فراوان که در آن زمان باب شده بود. این در حالی است که در قرآن و شرع مساله به گونه‌ای دیگر است و کسی در مهریه توان دخالت ندارد و مهریه ذمه‌ای است که بر گردن مرد می‌باشد. این مساله شاید همواره بین حاکمان و فقیهان اختلاف نظر بوده است که از آن جمله می‌توان تعدیل مهریه به صد و ده سکه اشاره کرد که با مخالفت‌های فراوانی از سوی برخی از فقیهان و عالمان شرع مواجه شد، اما حاکمیت بنا بر مصالح مختلف به عنوان حکم ثانویه آن را تغییر داد و در آن دست برد که البته به نظر می‌رسد این مساله تا حدودی صحیح می‌باشد چون تنها کسی که می‌تواند احکام ثانویه را تغییر دهد حاکمیت و حاکم شرع می‌باشد که می‌تواند با حکم حکومتی خود این احکام را تغییر دهد نه مجلس و هیچ نهاد قانونگذار دیگر؛ اما اگر به این مساله دقیق‌تر شویم می‌بینیم که حاکم شرع خود مجلس را «راس همه امور» می‌داند و این اجازه را به مجلس داده که در همه امور تصمیم‌گیری کند که خود مجلس نیز بعد از تصمیم‌گیری از فیلتر شورای نگهبان که دارای فقیهانی می‌باشد می‌گذرد.

البته در اکثریت مواقع مهریه خود به خودی خود تبدیل به یک حکم ثانویه می‌شود چون عسر و حرج، اعانت بر معصیت و ظلم، ضرورت و اضطرار همه مواردی هستند که در مساله مهریه همیشه مورد توجه قرار گرفته شده‌اند که در این صورت حکم ثانویه بر آن برقرار است. اما مساله اصلی که در بالا ذکر شد که اگر همسری هیچ‌کدام از موارد فوق را نداشت آیا می‌توان حکومت و مجلس در آن دخالت کرد که باید عنوان کرد که با استفاده از حکم حکومتی می‌توان این مساله را برطرف کرد و شاید قانونگذار با توجه به اکثریت مردم این تصمیم را گرفته و برای حفظ ارکان خانواده و همچنین جلوگیری از ضرر و جلوگیری از ظلم این مسائل به سرانجام رسیده است.

۳-۵ آموزش و آگاهی زوجین از مسائل حقوقی

بهره مندی از خدمات مشاوره‌ی پیش از ازدواج بسیار مهم است تا زن و مرد با آگاهی هر چه بیشتر و تجهیز به دانش کافی در ارتباط با خود، زندگی مشترک را شروع کنند. اما به نظر می‌رسد که این خدمات از کارایی لازم برخوردار نباشند. بر اساس تحقیق صورت گرفته ارزیابی کیفیت کلاس‌های مشاوره‌ی قبل از ازدواج از نظر زوجین شرکت‌کننده در این کلاس‌ها صرفاً نتیجه بخش نبوده در همه موارد، از طرفی در این دوره‌های آموزشی صرفاً در حوزه تنظیم خانواده بحث می‌شود اما غفلت بزرگ در آموزش به زوجین عدم آموزش زوجین در زمینه مسائل حقوقی می‌باشد، اگر زوجین به مسائل حقوقی که بیانگر تعهدات حقوقی آنها نسبت به تشکیل زندگی است آگاه باشند، بی‌شک دست به گریبان رفتار بی‌اساس در مسیر زندگی و فرار از تعهدات نخواهند شد.

نتیجه‌گیری

در اسلام اقتصاد خانواده و حقوق مالی بین زوجین یکی از مهمترین مسائلی است که بدان پرداخته شده است و در میان حقوق مالی بین زوجین، مهریه از اهمیت بسیاری برخوردار است و این نشانه حفظ کرامت جایگاه زن در دین اسلام است. قرآن کریم در سوره نساء میزانی را برای مهریه در نظر نگرفته است و هر میزان که فرد قادر است، می‌تواند به عنوان مهر به زن اختصاص دهد؛ اما با گذشت زمان و تغییر دیدگاه‌ها نسبت به مهریه این مساله باعث ایجاد مشکلاتی شده است. ابتدا مهریه برای حسن نیتی بود که از جانب مرد به زن داده می‌شد، اما امروزه مهریه به عنوان یک پشتوانه مالی در نظر گرفته می‌شود که زن هرگاه بخواهد می‌تواند از این اهرم فشار استفاده کند و از طرفی نبود مهریه باعث می‌شود که مرد به دلایلی همچون تنوع طلبی و فرار از تعهدات با کوچکترین مشاجره زن را طلاق دهد، لذا حاکمیت و قانونگذار و فقها می‌بایست در ادوار مختلف این مسائل را به درستی از ابعاد جامعه شناسانه و مردم شناسانه مورد واکاوی قرار داده و بهترین نظریه و قانون را در باب مهریه در نظر بگیرند. البته فقهای شیعه و سنی نیز دیدگاه‌هایی را ارائه داده‌اند که بیشتر تحت عنوان پیشنهاد و تشویق است و قانونگذاران ما نیز بر اساس فقه شیعه اقداماتی انجام داده است که گاه با شکست روبرو شده و گاه با موفقیت همراه بوده است.

در بین فقهای شیعه میزان سنجش «مهرالسنه» می‌باشد، اما هیچ دستور شرعی در این باره نداده‌اند و گاه مکروه بودن بیش از این مقدار و گاه مستحب بودن این مقدار و کمتر از آن را به عنوان دستور به مقلدان خود داده‌اند، اما بررسی شواهد نشان می‌دهد امروزه برخی با طرح مهریه‌های سنگین در صدد سودجویی هستند که در این وضعیت پیشنهاد و توصیه کاربرد آنچنانی ندارد و باید بر طبق مَر قانون با این افراد مواجه شد، البته قانون مهریه را در صورتی قابل پرداخت می‌داند که قابلیت آن را داشته باشد و فرد توانایی این کار را نیز داشته باشد، اما قوانینی که به طور کامل به مهریه پرداخته شده و دخالت حکومت در این زمینه نیز توانسته است تا حدود زیادی از مشکلات زندانیان در بند مهریه بکاهد، یکی از این قوانین که کاربرد مناسبی دارد قانون تعیین سقف مهریه تا ۱۱۰ عدد می‌باشد که فقط تا این میزان قابلیت اجرایی دارد، نه به این معنی که بیش از این را زن نمی‌تواند بگیرد، بلکه در صورت دارایی مرد، زن می‌تواند این درخواست را برای صد و ده سکه به بالا نیز داشته باشد. عندالاستطاعه بودن زوج، اعسار زوج، کاهش سقف مهریه همگی گام‌هایی هستند که قانونگذار برای جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده در دستور کار دارد که گاه در مسیر درست هدایت شده‌اند و گاه با مشکلاتی مواجه شده‌اند. ورود به مسائل شخصی در اسلام نکوهیده است، اما گاه بنا بر نیاز جامعه باید به مسائل شخصی مانند مهریه ورود پیدا کرد، درست است که مهریه بر اساس تراضی طرفین می‌باشد اما توافق طرفین گاه هزینه‌های زیادی را متوجه خانواده، فرزندان و جامعه می‌کند که شارع و قانونگذار می‌تواند با ورود به این مسئله از مشکلات فراوان جامعه جلوگیری کند. می‌توان از مطالب فوق نتیجه گرفت که فقه امامیه اصل مهریه بر تراضی طرفین است اما فقهای زیادی مهرالسنه را به عنوان سقف در نظر گرفته و بیشتر و کم تر از آن را مکروه و مستحب دانسته‌اند، در اهل سنت همگی بر این عقیده‌اند که تراضی طرفین تعیین‌کننده میزان مهریه است، در حقوق ایران نیز تراضی طرفین در نظر گرفته شده است اما قانونگذار بر اساس مقتضیات زمان (تورم، بالارفتن قیمت سکه، مشکلات جامعه‌شناختی و

..) برای مهریه سقف تعیین نموده و حتی برای عدم پرداخت مهریه نیز قوانین خاصی تنظیم کرده است که خانواده به عنوان نهاد اصلی دچار تزلزل نشود.

منابع و ماخذ

- ابن بابویه، علی (۱۴۰۶هـ). الفقه المنسوب للامام الرضا (ع)، چاپ اول، مشهد: المؤتمر العامی للامام الرضا (ع).
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵هـ)، المقنع، قم: موسسه امام هادی (ع)
- امیراحمدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، نظام مالی خانواده، تهران: میزان
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵هـ)، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵هـ)، کتاب النکاح، جلد اول، موسسه الکلام و موسسه الهادی.
- باباخانی، زرین (۱۳۷۷)، مهریه «حقوق خاص زوجه»، چاپ اول، تهران: نشر رامین
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۹هـ)، جامع احادیث الشیعه، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۳)، قانون حمایت خانواده در پرتو نظرات شورای نگهبان، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
- جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، بی جا، تهران: گنج دانش
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹هـ.ق)، وسائل الشیعه، چاپ اول، تهران: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- خراسانی، علی محمدی (بی تا)، شرح تبصره المتعلمین، بی جا
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰)، الاجتهاد و التقليد، قم: موسسه اسماعیلیان
- روحانی، سید محمدصادق (بی تا)، فقه الصادق، قم: اجتهاد
- زحیلی، وهبه (۲۰۰۰)، الفقه الحنبلی المیسر، بی جا
- سعیدی، محمدعلی؛ وهابی زاده، عباسعلی (۱۳۸۹)، بررسی شرط عندالاستطاعه بودن مهریه، تهران
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳هـ)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: موسسه معارف اسلامی
- صفیایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۲)، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی و پنجم، تهران: میزان
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم، قم: اسماعیلیان
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم: قدس

- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰هـ)، ارشاد الذهان الی احکام الایمان، چاپ اول، قم: موسسه نشر اسلامی.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۶هـ)، الانتصار، چاپ اول، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع).
- قربانوند، محمدباقر (۱۳۹۳)، تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده، چاپ اول، تهران: مجد
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق خانواده، چاپ چهارم، جلد اول، تهران: شرکت انتشار
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶)، بررسی فقهی حقوقی خانواده، چاپ اول، تهران: نشر مرکز علوم اسلامی
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، اسلام و مقتضیات زمان و مکان، تهران: ملامصدرا
- موسوی فرد، سید محمدرضا؛ غلامی، قدرت و بیرانوند، صبا (۱۳۹۶). بررسی وضعیت مهریه سنگین از نقطه نظر حقوق ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روانشناسی، تهران، ۱۳۹۶
- نجفی، محمد حسن (۱۳۸۱). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، جلد ۲۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی
- نوری الشافعی، محی‌الدین (۲۰۰۵)، منهاج الطالبین، الطبعة الاولى، بیروت: دارالمنهاج

